

تعامل آموزش های دیجیتال و دین در آرای متفکران متاخر دینی ایران

مهدی موسویان غرقه^۱، حسن شمسینی غیاثوند^۲، فاضل فیضی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۸

چکیده:

دین و چگونگی آموزش و انتقال آن به نسل های نوین دغدغه اصلی زندگی انسان ها در عصر جهانی شدن است، چرا که بدون دین و توجه به گزاره های دینی اعم از ادیان آسمانی، زمینی و عرفانی زندگی معنا و مفهوم نخواهد داشت. به همین دلیل چگونگی آموزش های دینی در عصر رسانه های دیجیتال و هوش مصنوعی با خصوصیات نوینی همچون لزوم معنا بخشی به انسان ها، آموزش تعاملی، اثرگذاری بر نوع زندگی شهروندان، نوع الگوی زندگی دینی و اجتماعی مردم معنا می شود. سوال و هدف محوری این پژوهش تبیین تاثیرات آموزش های دیجیتال بر دین و معنویت گرایی در آرای متفکران متاخر ایرانی است. در جهت تبیین این موضوع و با تحلیل گفتمانی می توان گفت که آموزش های نوین تاثیرات خاصی بر سبک زندگی شهروندان در همه ابعاد همچون معنویت گرایی نوین، رهاشدگی، کاهش گریز از آموزش های رسمی دینی، عرفان گرایی، هویت دینی ژلاتینی، کاهش اهمیت به مناسک و شعائر بیرونی دین، تحول در تعصبات دینی، خصوصی شدن امور دینی گذاشته است. بنابراین می توان گفت که آموزش های دیجیتال در اندیشه سیاسی متفکران متاخر ایران با خصوصیات همچون لزوم غیر دولتی شدن آموزش های دینی، توجه به تفکر انتقادی از گزاره های دینی، ائتلاف بین آموز های دین آسمانی با آموزه های ادیان زمینی و عرفانی، مقوله آموزش، اقتصادی و خصوصی شدن آموز های دینی صورت بندی شده است.

کلیدواژگان: رسانه های دیجیتال، آموزش، متفکران، ایران، تربیت دینی، هویت ژلاتینی

^۱ علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد تاکستان، تاکستان، ایران

^۲ استادیار علوم سیاسی-دانشکده حقوق و علوم سیاسی. تاکستان. قزوین ایران(نویسنده مسئول)

shamsini_h@yahoo.com

^۳ هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

The interaction of digital education and religion in the opinions of Iranian post-religious thinkers

Abstract:

Religion and how to teach and transmit it to new generations is the main concern of human life in the era of globalization, because without religion and attention to religious propositions, including heavenly, earthly and mystical religions, life will have no meaning and significance. For this reason, how religious education is taught in the era of digital media and artificial intelligence is given meaning with new characteristics such as the need to give meaning to humans, interactive education, affecting the type of life of citizens, and the type of religious and social life pattern of people. The central question and goal of this research is to explain the effects of digital education on religion and spirituality in the opinions of recent Iranian thinkers. In order to explain this issue and through discourse analysis, it can be said that modern education has had certain effects on the lifestyle of citizens in all aspects such as new spirituality, abandonment, reduced escape from formal religious education, mysticism, gelatinous religious identity, reduced importance to external rituals and ceremonies of religion, changes in religious prejudices, and privatization of religious affairs. Therefore, it can be said that digital education in the political thought of recent Iranian thinkers has been formulated with characteristics such as the need for religious education to be non-governmental, attention to critical thinking about religious propositions, the alliance between the teachings of heavenly religion with the teachings of earthly and mystical religions, the category of education, and the privatization of religious education.

Keyword: Digital media, education, thinkers, Iran, religious education, gelatinous identity

مقدمه

دین در طول قرون و اعصار جزء لاینفک جوامع بشری بوده است و همچنان ادامه دارد. با تغییر دنیایی که در آن زندگی می کنیم، تجربه ما از زندگی نیز با آن تغییر می کند. اشکال جدید تجربه، تقاضایی برای ادیان متناسب با زندگی معاصر ایجاد می کند. ماکس وبر ویژگی های متناسب زندگی مدرن و دین مدرن را در اوایل قرن بیستم ترسیم کرد، اما جهان و اقتصاد سیاسی آن دوباره تغییر کرده است. اشکال رایج جدید دینداری شکل گرفته است که تجربه معاصر ما از زندگی را در زمینه مدرن متأخر جهانی سازی اقتصادی و تبادلات بین فرهنگی شتابان منعکس می کند. به اصطلاح «عصر اطلاعات» به تدریج نفوذ خود را به قلمرو دین، یعنی در روش هایی که ادیان برای آموزش، تبلیغ و در نظام های اعتقادی به کار می برند، گسترش می دهد. به ویژه تحولات قابل توجه شامل این واقعیت است که اکنون برای هر دینی امکان گسترش فراتر از مرزهای ملی وجود دارد و به جنبش های کوچک مذهبی جدید اجازه می دهد تا در فعالیتهای تبلیغی در خارج از کشور شرکت کنند و منجر به تحولات دینی جدیدی شود که تاکنون دیده نشده است. این شتاب سریع «عصر اطلاعات» اکنون پدیده ای را پدید می آورد که می توان آن را «جهانی شدن دین» نامید. اگرچه تخمین چگونگی توسعه این فرآیند در آینده غیرممکن است، اما این احتمال وجود دارد که اطلاعات دینی به طور فزاینده ای به روش هایی متفاوت از آنچه قبلاً شناخته شده بود، در گردش باشد، انواع جدیدی از سازمان های دینی شکل بگیرد و محتوای فعالیتهای و آموزه های آنها نرخ تغییرات متلاطم تری را نسبت به قبل تجربه کند. از این نظر، دین به طور کلی با یک نقطه عطف بزرگ روبرو است. در حالی که این عبارت اغلب شنیده می شود، محتوای آن اغلب بسته به کاربر متفاوت است. به طور خاص، افراد مختلف و حوزه های مختلف مورد علاقه اغلب مفاهیم متفاوتی از زمان شروع درست عصر اطلاعات و آنچه که آن را نشان می دهد، منعکس می کنند. و اگر این سؤال به ماهیت اساسی «اطلاعات» بسط داده شود، ما درگیر مشکلات شدیدتری می شویم.

آموزش به عنوان یک سرمایه گذاری فردی در سرمایه انسانی، با بازده مالی بر حسب درآمد آتی، برچسب گذاری کرد، آموزش نیز می تواند به طور گسترده تر به عنوان سرمایه گذاری در نظر گرفته شود. «قابلیتهایی» که متعاقباً امکان دستیابی به سطوح بالاتری از عملکرد را در سطوح سلامت، زندگی خانوادگی، مشارکت اجتماعی و غیره فراهم می کند. جهانی شدن دین مشکلات متعددی را خارج از آنهایی که در ماجرای اوم دخیل هستند ایجاد می کند. از آنجا که ادیان سنتی مشروعیت و اقتدار کلی خود را از دست می دهند، نقش یکپارچه اجتماعی دین تضعیف می شود. به خصوص برای گروه های اجتماعی مانند ملت و جوامع سنتی، مذهب ممکن است بیشتر تنش ایجاد کند تا ادغام. عناصر فزاینده

فرهنگ و مذهب خارجی از ایالات متحده، کره، هند و تایوان به ژاپن معرفی می‌شوند، پیوند جمعیت ژاپن با مذهب سنتی، به‌ویژه در میان نسل جوان ضعیف‌تر شده است. به عنوان مثال، مراسم مذهبی سنتی جشن سال نو در حال کاهش است، در حالی که آنهایی که بر کریسمس یا دیگر تعطیلات مذهبی با منشاء خارجی متمرکز هستند، محبوبیت بیشتری پیدا می‌کنند. در مورد تعطیلات فصلی بودایی ست سوبون یا هیگان، و بیشتر با روز سنت ولنتاین و هالووین، نگرانی فزاینده‌ای مشاهده می‌شود. ناگفته نماند که این آیین‌ها نه به‌عنوان آیین‌های «مذهبی»، بلکه تنها به‌عنوان نوعی رویداد غیر روزمره یا جشن سکولار پذیرفته می‌شوند. و این واقعیت به جنبه دیگری از روند جهانی شدن اشاره می‌کند، یعنی ابهام فزاینده تبعیض بین قلمرو دینی و غیر مذهبی یا سکولار. از آنجایی که دین در نقاط مختلف جهان از جایگاه متفاوتی برخوردار است، مفهوم دین خود مجبور به دگرگونی به عنوان بخشی از فرآیند جهانی شدن است. با این حال، این فرآیندها نباید صرفاً به عنوان یک فروپاشی سنت درک شوند و بنابراین باید از آن جلوگیری کرد. فرآیندهای جهانی شدن در زمینه‌ها یا حوزه‌های خاصی پیش نمی‌روند، بلکه به عنوان بازآرایی نظام‌های جهانی عمل می‌کنند. در نتیجه، جهانی شدن دین را باید به عنوان بخشی از این فرآیند درک کرد. از آنجا که تنها یک بخش است، ممکن است با ویژگی‌های خاص منحصر به فرد مشخص شود، اما نه آنقدر بزرگ که نتوان آن را با اصول کلی حاکم بر استعاره جهانی‌شدن توصیف کرد. جهانی‌شدن تغییر شکل فعالیت‌های تبلیغی، روابط انسانی و محتوای اطلاعات دینی را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. بنابراین، مهمترین نکته ممکن است تأکید بر این باشد که ماهیت خود فرآیند جهانی شدن نیاز به درک و درک گسترده‌تر توسط افراد بیشتری دارد، به ویژه جنبه‌هایی از آن که تهدیدی برای ایجاد نتایج منفی برای جوامع ما هستند. سوال و هدف محوری این پژوهش تبیین تأثیرات آموزش‌های دیجیتالی بر دین و معنویت‌گرایی در آرای متفکران متأخر ایرانی است.

پیشینه تحقیق

- دین در عصر جهانی شدن مجدد: مقدمه‌ای کوتاه (فرهنگ و دین در روابط بین الملل)؛ بنیختر؛ ۲۰۱۲. این کتاب معرفی مختصری از بیست و یک گرایش ارائه می‌کند که نقش دین و معنویت را در «جهانی‌سازی مجدد» جوامع تغییر می‌دهند. این کتاب با اشاره به فرآیندهای «جهانی شدن مجدد» توجه را به تغییرات عمیق مداوم در الگوها و مکانیسم‌های جهانی شدن معاصر جلب می‌کند. این کتاب در رویکرد خود بین رشته‌ای و فرا رشته‌ای، ساختاری واضح و خواندنی آسان، تأثیر خودفهمی دینی، خطابه و عمل را در پنج حوزه اصلی تحلیل می‌کند: اقتصاد،

سیاست، فرهنگ، جمعیت‌شناسی و فناوری. به نوبه خود تأثیرات این پنج حوزه را بر خود دین و معنویت بیان می‌کند.

- جهانی شدن، مدرنیته و ظهور بنیادگرایی دینی؛ دیمینیتس؛ ۲۰۱۹؛ جهانی شدن، مدرنیته و ظهور بنیادگرایی دینی پیشنهاد می‌کند که ما باید به دنبال تبیین های جدیدی برای این پدیده باشیم که رابطه بین جهانی شدن، مدرنیته و دین را بازنمایی می‌کند. این کتاب از طریق رویکردهای همپوشانی و مکمل نظریه سیستم ها، نظریه میدان و نظریه شبکه، مفاهیم جهانی شدن، مدرنیته و خود دین را با به چالش کشیدن تصورات غلط ذاتی تعصبات قوم گرایانه بازتعریف کرد.

- مذهب و جهانی شدن؛ التگلز؛ ۲۰۲۰؛ ادیان و پیروان آنها به شدت به جهانی شدن واکنش نشان می‌دهند، خواه آن را تهدید کننده هویت خاص خود بدانند یا فرصتی برای ارائه پیامی جهانی به جهان و تبدیل شدن به یک "دین جهانی". این مجموعه چهار جلدی جدید از راتلج تمام متون کلیدی در مورد جهانی شدن و دین را در یک «کتابخانه کوچک» با کاربرد آسان گرد هم آورده است. هر یک از مجلدات دیدگاه‌های نظری و تجربی را بیان می‌کند.

- دین دیجیتال: درک عمل مذهبی در دنیای رسانه های جدید؛ کمبل؛ ۲۰۲۲؛ دین دیجیتال یک بررسی انتقادی و سیستماتیک از مطالعه دین و رسانه های جدید ارائه می‌دهد. این تعامل مذهبی را با طیف وسیعی از اشکال رسانه‌ای جدید پوشش می‌دهد کتاب بررسی مفصلی از موضوعات اصلی ارائه می‌دهد؛ شامل مجموعه ای از مطالعات موردی برای نشان دادن و روشن کردن کاوش های موضوعی است، مباحث نظری، اخلاقی و کلامی مطرح شده را مورد توجه قرار می‌دهد.

- تعامل «دین و رسانه در فضای نوین رسانه‌ای؛ به قلم بیچرانلو و حاج‌محمدی؛ این کتاب از سه فصل اصلی شامل تعامل دین و رسانه با تمرکز بر تلویزیون، دین و فضای سایبر، چالش‌ها و فرصت‌های پیش رو و نتیجه‌گیری و پیشنهادها تشکیل شده است. رسانه‌های جمعی، فرهنگ و جامعه، تلویزیون و فرهنگ رسانه‌ای، تلویزیون، گذشته و آینده و تلویزیون و مخاطب، تحولات جدید رسانه‌ای و دین، فضای مجازی و گستره دین، سنخ-شناسی گفتمان مذهبی در فضای مجازی، بازنمایی دین در فضای مجازی، فضای مجازی و پدیده‌های جدید دینی، معبد مجازی و موتورهای جست‌وجو و فرهنگ و معارف دینی از جمله موضوعات مطرح شده در این کتاب است.

- افسون زدگی جدید؛ شایگان؛ ۱۳۹۸؛ افسون زدگی کتابی است به ظاهر پراکنده و پیچیده که در آن سطوح مختلف آگاهی، وجوه متعدد شناخت، اعم از فلسفه، جامعه شناسی، روان شناسی با هم برخورد می کنند و شاید هم نوعی آهنگ ناموزون چندنوایی ایجاد می کنند. این تداخل قطعاً عمدی نیست، بلکه از آشفتگی اوضاع فرهنگی خود جهان ناشی می شود، جهانی که آنچنان مختلط و رنگارنگ گشته است که یافتن یک لنگرگاه سکون و دیدی فراگیر بسیار دشوار شده است.

چارچوب مفهومی

دین و جهانی شدن به پیوندی بادوام و سفت تبدیل شده است، در حالی که اولی از فرصت های پیشرفت و گسترش در جهان جهانی شده برخوردار است، به نظر می رسد از طریق به چالش کشیدن فرآیند آمیختگی یا ادغام ارزش ها، برای ثانویه مقاومت ایجاد می کند. در این منظر، افزایش حقوق بشر جهانی به شاخص قانع کننده شهروندی جهانی تبدیل شده است. در سال ۱۹۴۸ جامعه بین المللی اصولی را برای حفظ حقوق بشر در قالب اعلامیه جهانی حقوق بشر تدوین کرد. بسیاری از محققان بر این باورند که حقوق بشر یک مفهوم سکولار است و جوامع مذهبی غالباً نگرش متضاد به این مفهوم داشتند. اما توضیحات زیادی درباره ارتباط ادیان با این مفهوم وجود دارد. زیرا همه ادیان موعظه ارزشهای مشترک حقیقت، عدالت، صلح، محبت و صبر و وحدت انسانی و احترام متقابل از اصول اساسی همه ادیان است.

مخصات دین در آموز های دیجیتال

این نگرش به عنوان یک گرایش محبوب جدید است، اما به این ترتیب جدید نیست. سنت های عرفانی یا باطنی بسیاری از ادیان هزاران سال است که از رویکرد مونیستی مشابهی حمایت کرده اند و همچنان ادامه دارند. از نظر تاریخی، افرادی با چنین نگرش هایی اقلیتی کوچک در غرب تشکیل داده اند که اغلب مورد آزار و اذیت قرار می گیرند و از این رو اغلب مجبور به حفظ رازداری می شوند. عرفان تا حد زیادی این نیاز به چنین رازداری را در زمینه عصر جدید از دست داده است، اگرچه همچنان توسط سایر بخش های جامعه سوء تفاهم می شود.

عدم پذیرش رسمی یکی از ادیان پنج گانه باعث ایجاد مشکلات شدید در دریافت کارت شناسایی یا سایر اسناد رسمی مانند گواهی ازدواج می شود و می تواند دسترسی به خدمات دولتی مانند آموزش را مسدود کند. تا همین اواخر، این امر همچنین می توانست اتهامات بی خدایی را که مترادف با کمونیسم است، ایجاد کند.

یک مثال برای نشان دادن چنین تداوم تاریخی، نقش رسانه در مدرنیته است. رسانه های جدید در مورد مدرنیته، رسانه های چاپی بودند که با اختراع ماشین چاپ گوتنبرگ، همراه با اشتیاق پروتستانی جدید برای انتشار کتاب مقدس (و به زودی متون دیگر) به زبان های بومی به جای لاتین، با استفاده از رسانه چاپی جدید، که به نوبه خود با پذیرش و تامین مالی پروژه روشنگری و آموزش دولت مدرن باسواد، امکان پذیر شد. بنابراین جامعه مدرن قبلاً یک جامعه رسانه ای بود، هرچند از نوع متفاوتی بود، و همین امر در مورد جوامع کشاورزی پیشا مدرن نیز صادق است. با این وجود، پیشرفت های فناوری رسانه ای همیشه عوامل اصلی در تاریخ تغییرات فرهنگی هستند.

تأثیر استعمار مدرنیستی بر سنت های اصلی مذهبی غیرمسیحی یا «ادیان جهانی» موضوع پیچیده ای است که از حوصله این مقاله خارج است، اما در اینجا لازم است که آن را در مورد بالی مورد بررسی قرار دهیم. اصطلاح "هندوئیسم" محصول گفتگوی استعماری بین مذهب هند و مدرنیسم است. آنچه مربوط به مورد حاضر است این است که سنت های بالی را می توان با برانگیختن این ایده مدرن و بین المللی از «دین جهانی» به نام «هندوئیسم» - با هزینه ای - محافظت و حفظ کرد. این وابستگی جایگاه چیزی را که در غیر این صورت ممکن بود به عنوان یکی دیگر از بسیاری از سنت های مذهبی محلی مجمع الجزایر نادیده گرفته شود، ارتقاء داد که دولت اندونزی، تا به امروز، آن را به عنوان آنیمیسم بدوی^۱ طبقه بندی می کند و تحت دسته بندی مدرن «عرف محلی» (ادات) و «باورها» به جای «عقیده ای»^۲ قرار می دهد. ترازهای حفاظتی مشابهی از ادیان محلی با سنت های بزرگتر تحت شرایط مشابه در سراسر جهان قابل مشاهده است.

تجاری سازی انبوه گردشگری در بالی و جاهای دیگر در امتداد مسیر جهانی کوله پشتی معنوی بخشی از روند گسترده تر به سوی تجاری سازی معنویت عصر جدید توسط نیروهای بازار در طول دهه ۱۹۸۰ بود.

رونق گردشگری تأثیر زیادی بر محیط زیست، اقتصاد و روابط اجتماعی داشته است. بالی دیگر یک جامعه کشاورزی نیست. تا سال ۲۰۰۵، نیمی از جمعیت در مناطق شهری زندگی می کردند، در حالی که در سال ۱۹۹۰، این نسبت تنها یک چهارم بود. بین سال های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۲، بخش کشاورزی اقتصاد از ۵۶/۶ درصد به ۲۱/۴ درصد کاهش یافت، در حالی که بخش سوم (عمدتاً گردشگری) از ۴۰/۶ درصد به ۶۳/۲ درصد افزایش یافت. تا سال ۱۹۹۸، گردشگری ۵۱.۶ درصد از درآمد مردم بالی را تشکیل

^۱ animisme

^۲ keperaliganya

می داد و - اگر شرکت های صادراتی مرتبط را نیز در نظر بگیریم - بیش از ۵۰ درصد از نیروی کار را استخدام می کردند.

دین در طول قرون و اعصار جزء لاینفک جوامع بشری بوده است و همچنان ادامه دارد. با تغییر دنیایی که در آن زندگی می کنیم، تجربه ما از زندگی نیز با آن تغییر می کند. اشکال جدید تجربه، تقاضایی برای ادیان متناسب با زندگی معاصر ایجاد می کند. ماکس وبر ویژگی های متناسب زندگی مدرن و دین مدرن را در اوایل قرن بیستم ترسیم کرد، اما جهان و اقتصاد سیاسی آن دوباره تغییر کرده است. در این مقاله، من اشکال رایج جدید دینداری را مورد بحث قرار می دهم که تجربه معاصر ما از زندگی را در زمینه مدرن متأخر جهانی سازی اقتصادی و تبادلات بین فرهنگی شتابان منعکس می کند. این روندها (احیای، معنویت عصر جدید و بنیادگرایی) با ارجاع به مطالب موردی از تحقیقات من در بالی و سایر بخش های اندونزی طی دو دهه گذشته نشان داده می شود، در حالی که تأکید می کند که روندهای مشابهی را می توان در سراسر جهان مشاهده کرد¹.

مختصات آموزش در عصر جهانی شدن

کاربرد هوش مصنوعی مولد (GAI) در بخش آموزشی به طور فزاینده ای مورد توجه محققان قرار گرفته است. این مطالعه تطابق بین توضیحات دوره آنلاین و برنامه های درسی دوره واقعی را بررسی می کند تا آمادگی دوره و سازگاری را برای مدرسان بهبود بخشد. همراستایی بین توضیحات فهرست درسی و محتوای واقعی دوره که در برنامه درسی به تفصیل شرح داده شده است، می تواند منجر به بهبود یادگیری، رضایت دانش آموز و همسویی تحصیلی در یک برنامه شود. تحقیق ما چارچوب جدیدی را معرفی می کند که از GAI برای ارزیابی و شناسایی سیستماتیک عدم تطابق ها استفاده می کند و محتوا را برای بستن شکاف بین توضیحات دوره آنلاین و محتوای برنامه درسی پیشنهاد می کند. ما از ChatGPT OpenAI برای استخراج موضوعات کلیدی از برنامه های درسی استفاده کردیم و تطابق بین نتایج و محتوای توضیحات دوره را با روش های جاسازی مانند BERT، GPT-2، RoBERTa و DistilBERT، همراه با معیارهای شباهت کسینوس ارزیابی کردیم. چارچوب ما همچنین یک الگوریتم تشخیص پرت را ادغام می کند تا دوره هایی با ناهماهنگی قابل توجه را شناسایی کند و از برنامه های GAI برای اصلاح و بهبود توضیحات فهرست دوره ها استفاده کند. این رویکرد به مؤسسات آموزش عالی کمک می کند تا پیشنهادات دوره های آموزشی را با فناوری های پیشرفته

به روزرسانی کنند و به توسعه برنامه درسی کمک می کنند و به بهبود کارایی یادگیری دانشجویان و طراحی دوره کمک می کنند. (Liyuan Liu, ۲۰۲۴. dl.acm.org). هوش مصنوعی (AI) به سرعت از یک مفهوم آینده نگر به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی روزمره ما تبدیل شده است و آموزش نیز از این قاعده مستثنی نیست. در سال ۲۰۲۴، فناوری های هوش مصنوعی چشم انداز دانشگاهی را متحول کرده و فرصت های بی سابقه ای را برای یادگیری شخصی، کارایی اداری و نتایج آموزشی بهبود یافته ارائه می کنند. از سیستم های آموزشی هوشمند گرفته تا مدیریت کلاس درس مبتنی بر هوش مصنوعی، تأثیر هوش مصنوعی عمیق و گسترده است. مربیان و مدیران اکنون می توانند از هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل حجم وسیعی از داده ها استفاده کنند و بینش هایی را ارائه دهند که تصمیمات و استراتژی های آگاهانه را هدایت می کند. علاوه بر این، هوش مصنوعی به لطف ابزارهایی که از دانش آموزان با نیازها و سبک های یادگیری متنوع پشتیبانی می کند، موانع آموزشی را از بین می برد. با تکامل هوش مصنوعی، پتانسیل آن برای تغییر آموزش رشد می کند و زمینه را برای آینده ای فراهم می کند که در آن یادگیری شخصی تر، فراگیرتر و موثرتر باشد.

هوش مصنوعی و آموزش دین

با تأمل در یافته های این مطالعه، شناخت محدودیت های آن و ترسیم راه های بالقوه برای تحقیقات آینده بسیار مهم است. اولاً، تمرکز مطالعه بر روی ۲۰ کشور ممکن است کل سناریوی جهانی را در بر نگیرد. پویایی رابطه بین هوش مصنوعی و آزادی مذهبی می تواند در مناطق و فرهنگ های مختلف متفاوت باشد، جنبه هایی که این مطالعه ممکن است به طور کامل به آنها نپردازد. تحقیقات آینده باید در تلاش باشد تا طیف متنوع تری از کشورها، به ویژه کشورهایی از مناطقی که در این مطالعه نشان داده نشده اند را شامل شود تا به دیدگاه جهانی تری در مورد تأثیر هوش مصنوعی بر آزادی مذهبی دست یابد. ثانیاً، روش های مورد استفاده برای اندازه گیری مفاهیم پیچیده مانند آزادی مذهبی و تأثیر هوش مصنوعی می توانند از نظر دامنه محدود باشند. علاوه بر این، تنوع در کیفیت و در دسترس بودن داده ها در کشورها و سال های مختلف ممکن است نتایج این مطالعه را تحت تأثیر قرار دهد. مطالعات آتی می تواند از ادغام روش های کیفی، مانند مصاحبه های عمیق یا مطالعات موردی بهره مند شود. این رویکردها بینش های غنی تری در مورد روش های خاصی که هوش مصنوعی بر آزادی مذهبی در زمینه های مختلف اجتماعی-سیاسی تأثیر می گذارد، ارائه می کند. در نهایت، در حالی که این مطالعه چندین عامل مهم اجتماعی-اقتصادی را در نظر می گیرد، ممکن است سایر متغیرهای مخدوش کننده بالقوه را نادیده بگیرد. این متغیرهای محاسبه نشده می توانند نقش مهمی در شکل دادن به تعامل بین

هوش مصنوعی و آزادی مذهبی داشته باشند. تحقیقات آینده باید بررسی متغیرهای اضافی و تعاملات آنها، به ویژه تمرکز بر عوامل فرهنگی و تأثیرات فناوری‌های مختلف هوش مصنوعی را در نظر بگیرد. چنین کاوشی به کشف راه‌های قوی‌تر و مرتبط‌تر که هوش مصنوعی می‌تواند بر آزادی مذهبی تأثیر بگذارد کمک می‌کند.

هوش مصنوعی به ندرت خارج از اخبار یا تصور عمومی است. تصاویر ترمیناتورهای چشم قرمز گزارش‌های مطبوعاتی از پیشرفت‌های افزایشی در تشخیص پزشکی، تشخیص چهره، پردازش زبان طبیعی و رباتیک را نشان می‌دهد. چنین پیشرفت‌هایی جامعه را از طریق تأثیرات قابل اندازه‌گیری بر تصمیمات و فرصت‌های افراد متحول می‌کند. دین و هوش مصنوعی: مقدمه زمینه‌ای نوظهور را با رویکرد مطالعات دینی بررسی می‌کند، با تکیه بر روش‌های انسان‌شناسی فرهنگی و دیجیتالی برای نشان دادن درهم تنیدگی‌های دین و هوش مصنوعی، تصورات ما از این اشیاء و ایده‌های ما درباره آینده آرمان‌شهری یا دیستوپیایی آنها. به موضوعات کلیدی می‌پردازد، از جمله موارد زیر: هوش مصنوعی چیست و چه نیست. واکنش ادیان به هوش مصنوعی با نمونه‌هایی از رد، پذیرش و انطباق. چگونه ادیان مستقر خلقت را درک می‌کنند و هوش مصنوعی شبیه انسان را در آن قرار می‌دهند. چگونه گروه‌های سکولار و حتی «آتئیست جدید» هوش مصنوعی را ابزاری برای رهایی از تکامل انسان و دین می‌دانند. دیدگاه‌های مذهبی هوش مصنوعی فوق‌هوشمند این کتاب جذاب برای هر کسی که رابطه بین دین، علم و فناوری را در نظر می‌گیرد و علاقه‌مند به پرسش‌های مطرح‌شده توسط فرانسان‌گرایی، پسانسان‌گرایی و جنبش‌های دینی جدید ضروری است.

آزادی مذهبی در ۲۰ کشور از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۲. مطالعه ما با استفاده از یک مدل دقیق که اثرات خاص مربوط به کشورها و تغییرات سالانه را ادغام می‌کند، یک تحلیل تجربی گسترده از چگونگی ارتباط هوش مصنوعی با آزادی مذهبی ارائه می‌دهد. نتایج حاکی از تأثیر منفی قابل توجه هوش مصنوعی بر آزادی مذهبی است. علاوه بر این، این مطالعه عوامل کلیدی مؤثر بر آزادی مذهبی را روشن می‌کند و یک همبستگی مثبت را با عناصری مانند رشد اقتصادی، ثبات سیاسی و سطح تحصیلات آشکار می‌کند. با این حال، همچنین مشاهده شد که افزایش دیجیتالی شدن رابطه منفی با آزادی مذهبی دارد. این نتیجه‌گیری‌ها با یافته‌های روش تعمیم‌یافته سیستم تخمین گشتاور، که قویاً از نتایج اولیه ما پشتیبانی می‌کنند، تقویت می‌شوند. در نتیجه، این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه بین هوش مصنوعی و آزادی مذهبی پیچیده است و توسط عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی شکل می‌گیرد. یافته‌های ما بر ضرورت توجه اندیشمندان به تأثیرات اجتماعی گسترده‌تر هوش مصنوعی، به ویژه در مورد حقوق اساسی بشر مانند آزادی مذهبی تأکید می‌کند.

هوش مصنوعی به ندرت خارج از اخبار یا تصور عمومی است. تصاویر ترمیناتورهای چشم قرمز گزارش های مطبوعاتی از پیشرفت های افزایشی در تشخیص پزشکی، تشخیص چهره، پردازش زبان طبیعی و رباتیک را نشان می دهد. چنین پیشرفت هایی جامعه را از طریق تأثیرات قابل اندازه گیری بر تصمیم گیری ها و فرصت های افراد متحول می کنند. دین و هوش مصنوعی: مقدمه، حوزه های نوظهور را با رویکرد مطالعات دینی بررسی می کند، با استفاده از روش های انسان شناسی فرهنگی و دیجیتالی برای نشان دادن درهم تنیدگی های دین و هوش مصنوعی، تصورات ما از این اشیاء و ایده های ما درباره آینده گرایانه یا آرمان شهری آنها. این به موضوعات کلیدی، از جمله موارد زیر می پردازد: چگونه ادیان مستقر خلقت را درک می کنند و هوش مصنوعی شبیه انسان را در آن قرار می دهند. چگونه گروه های سکولار و حتی «آتئیست جدید» هوش مصنوعی را ابزاری برای رهایی از تکامل انسان و دین می دانند.

جهانی شدن و آموزش در آرای متفکران ایران

به عقیده برخی متفکران ایران، جنبش های اجتماعی از طریق انتقال خشم و پیام های امیدوار کننده شکل می گیرند. ساختار ویژه ارتباطات در یک جامعه خاص به شدت جنبش های اجتماعی را شکل می دهد. به عبارت دیگر، جنبش های اجتماعی و سیاسی، اعم از سرکش یا غیرسرکش، تأثیرات زندگی در فضای عمومی را تجربه می کنند. فضای عمومی فضای تعامل اجتماعی معنادار است که در آن عقاید و ارزش ها شکل می گیرند، منتقل می شوند، حمایت می شوند یا مقاومت می کنند. فضایی که در نهایت به بستری برای عمل و واکنش تبدیل می شود، دلیلی است که در طول تاریخ، کنترل ارتباطات اجتماعی در دست مقامات ایدئولوژیک و سیاسی بوده و در کنار ثروت، منبع اصلی قدرت اجتماعی تلقی شده است. در تشریح روند تحولات اجتماعی در عرصه عمومی مدرن که توسط شبکه های ارتباطی شکل می گیرد، یک نمونه مهم از نافرمانی، حرکت های لحظه ای مقاومت در برابر اشتباهات سیاسی است که اغلب می تواند با توجه به چند منظوره و قابلیت های شبکه، از تنفر در سیاست نافرمانی بکاهد و قابلیت های شبکه ای تلفن های همراه را تغییر دهد.

جنبش های اجتماعی جدید از طریق تعامل با رسانه ها و افکار عمومی جهانی رویکرد عملی تری اتخاذ کرده اند. امروزه استفاده از فناوری دیجیتال برای بسیج اطلاعات، سازماندهی جلسات آنلاین و هماهنگی اعتراضات خیابانی در جنبش های درون سیستمی ضروری است. افراد دارای علایق، دیدگاه ها و هویت های مشترک با سایر اعضای گروه خود هستند. این یک چشم انداز مشترک ایجاد می کند که مردم حول آن جمع می شوند. اینترنت فضاهای جدیدی را برای ارتباط و بسیج این شبکه ها فراهم می کند. (میترا، ۱۳۸۰). به عقیده کاستلز، جنبش های سیاسی جدید از طریق هماهنگی داخلی بین گروه های

کوچک در جنبش‌های سیاسی و نیز شکل‌گیری نظرات بیرونی جنبش، از طریق اینترنت، سیاست هویت شبکه‌ای را شکل می‌دهند (کاستلز، ۱۹۹۷). اینترنت می‌تواند به ویژه برای گروه‌های خارج از مرزهای نهادهای عمومی سنتی یا سازمان‌های سیاسی سودمند باشد زیرا به طور قابل توجهی هزینه‌ها و موانع سازماندهی کنش جمعی را کاهش می‌دهد (ون آلت و والگریو، ۲۰۰۴، ۸۷). از مزایای استفاده از این فناوری می‌توان به هزینه کم، سرعت انجام کار و گستردگی آن بدون نیاز به ملاقات حضوری در زمان و مکان و در دسترس بودن آن برای همه اشاره کرد. رسانه‌های رسمی به تجهیزات ویژه و حضور رسمی خبرنگار در محل تظاهرات و رویدادها نیاز دارند، اما رسانه‌های غیررسمی بزرگ اخبار و تصاویر را به دنیا مخابره می‌کنند و باعث واکنش‌های مردم در سراسر جهان می‌شوند. در واقع این وضعیت و بستر جدید ایجاد شده توسط فناوری دیجیتال، امکان ارتباط و هماهنگی اعتراضات مدنی خود را بدون داشتن سازمان و تخصص خاص برای مردم عادی فراهم کرده است.

در حالی که در راهبرد اسلامی، توسعه از یک سو متضمن «عمران الارض» است که استفاده بی‌رویه از طبیعت را نفی می‌کند، و از سوی دیگر تعالی و کرامت انسانی را در بر می‌گیرد، جمع بین دنیا و آخرت را تضمین می‌کند و توسعه اقتصادی و فرهنگی را به طور همزمان مورد توجه قرار می‌دهد، می‌توان گفت که سبک زندگی معیار، شاخص و نمادی برای هویت دینی، اعتقادی و ارزشی فرد و جامعه است. با مطالعه نوع معماری، پوشش، اوقات فراغت، نوع استفاده از محتوای رسانه و نوع رسانه، روابط خانوادگی و اجتماعی، موسیقی، ارتباطات شهروندی، دکوراسیون خانه و امثال آن، می‌توان به کیفیت باورها و ارزش‌های افراد پی برد. به تعبیر زیبای علامه مجلسی، ظاهر، عنوان و نمایشگر باطن است (مجلسی، ۱۴۰۳، جلد ۶۶: ۳۶۵). در وضعیت کنونی که وضعیت بشر دچار بحران شده، مسائل بی‌پاسخ فراوانی برای انسان مطرح شده است که گفتمان غرب (لیبرال دموکراسی) پاسخی برای آن‌ها ندارد. این وضعیت فرصتی برای بازگشت ادیان است. از این رو می‌توان گفت در شرایط کنونی، «در جهان غرب، بحران تمدن جدید - بحرانی که فرآورده غرب است - به کامل‌ترین وجه، محسوس و مشهود است؛ زیرا با ورشکستگی اجتماعی و بحران زیست‌محیطی مرتبط است. در جهان غرب، راه‌حلی برای این بحران پیشنهاد می‌شود که مشتمل بر همان اسباب و عواملی هستند که این بحران را موجب گشته‌اند» (نصر، ۱۳۸۵: ۴۲). این وضعیت، موجب سرگشتگی انسان‌ها شده است. این فرصتی است که انسان‌ها به سنت‌های خود باز گردند. چنانچه در غرب، یکی از راه‌حل‌های بحران زیست‌محیطی را بازگشت به فضائل سنتی می‌دانند. در این شرایط، ادیان جهانی در عرصه زندگی احیاء می‌شود. دین اسلام به منزله مکتبی که در آن به مقتضیات زمان توجه شده است، جایگزین مناسبی برای حل بحران‌های کنونی جهان محسوب می‌شود. برخی اندیشمندان بر احیای مجدد ادیان در سطح زندگی بشر صحنه گذاشته‌اند.

جف هینس با بیان سابقه جوامع مذهبی فراملی مسیحی و اسلامی پیش از ظهور دولت های متمرکز سکولار بیان کرده است: «با این حال، اهمیت سیاسی دین در سیاست بین الملل که از آغاز قرن هفدهم به طور فزاینده ای رنگ باخته بود، بار دیگر در اواخر قرن بیستم به مدد فرایند جهانی شدن و متعاقب آن، انقلاب ارتباطات به دوران اوج سیاسی خود رسید (هینس، ۱۳۸۱: ۳۹۰). در این شرایط اسلام نه تنها به سادگی می تواند محور اصلی زندگی انسان مسلمان قرار گیرد و انسجام اسلامی را به وجود آورد، بلکه برای تمام بشر، پیام صلح، دوستی، عدالت، امنیت و آرامش را دارد. این موضوع از آنجا نشأت می گیرد که ادیان به فطرت انسان توجه دارند و «فطرت الهی انسان که پذیرای وعده ها و بشارت های الهی است، محدود به فضا و زمان خاص نیست. مخاطب ادیان به ویژه اسلام، انسان به ماهو انسان است. گسترش ادیان، حاصل قلمروزدایی از منظر «شولت»، جهانی شدن، همان فرایند قلمروزدایی است که اکنون به دوران اوج خود رسیده است. این امر، ظرفیت ها و قابلیت های فراوانی برای جهانی شدن واقعی اسلام در مقابل جهانی شدن غیرواقعی و مصنوعی غرب ایجاد می کند. «جهانی شدن حقیقی بر انسان شناسی و فلسفه تاریخ خاص مبتنی است و با هر انسان شناسی سازگار نیست. بدون باور به جوهر و غایتی برای انسان یا دست نیافتنی دانستن این ذات و جوهر و غایت برای انسان و عدم باور به مبانی این جوهر گرایی که به اصل گرایی و خالق گرایی برمی گردد، نمی توان مدعی جهانی شدن و عام گرایی مرتبط با آن شد» (افروغ، ۱۳۸۷: ۲۲). در این نگرش، لایه های زیرین فرهنگ همچون جهان بینی و ارزش ها اهمیت بسیار بیشتری دارد و «به میزانی که جهان کنونی به خدا، انسان، ذات و غایت او و به فلسفه تاریخ منبعث از آن و در مرتبت بعدی، اصول اخلاقی و رفتاری منتج از آن باور داشته باشد، می توان درباره جهانی بودن واقعی آن داوری کرد» (هینس، ۱۳۸۱: ۳۸۷).

جهانی شدن و بومی گرایی از منظر رویکرد جهان محلی شدن؛ این دیدگاه، فرهنگ های خاص با فرهنگ عام جهانی وارد داد و ستدی پیچیده شده و در عین حفظ خاصیت خود، از مزایای فرهنگ جهانی نیز بهره مند و آنها را نیز بهره مند می گردانند. در این رویکرد عرصه فرهنگی جهان، عرصه تحمیل، تسلیم، تهاجم، همگونی و یا گاهی مقاومت مسالمت آمیز نیست، بلکه عرصه داد و ستد، فصل و وصل، همگونی و ناهمگونی و انطباق موقعیتهای محلی با فرایند جهانی شدن است. (عبداللهی، ۱۳۹۵) از بعد تاریخی، این رویکرد در نظریه دهکده جهانی مارشال مکلوهان مبتنی بر پدیده های در حال ظهور دهکده جهانی و تغییرات چشمگیری که با توسعه رسانه های الکترونیکی جدید در جوامع سراسر جهان رخ داد، ریشه دارد. حدود ۲۰ سال پس از دهکده جهانی مکلوهان (۱۹۸۳)، مفهوم بازار جهانی رایج و شرکتها، برای ایجاد و فروش محصولات جدید در سراسر جهان، از این بازار استفاده کردند. در سال ۲۰۰۳ بیان کرد که جهانی شدن به آن معنا نیست که درخواست برای

کنچی اوهمای تولید کالایی جهانی، وظایف محلی ها و تولید محصولات محلی را از بین ببرد. از اینرو، در اواخر دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰ رواج یافت و این استراتژیهای جهان محلی شدن، درواقع، وقتی رؤسای شرکتهای اصطلاح شکل گرفت آمریکایی در دفترهای شان صرفاً دنبال استانداردسازی و تولید کالاهای یکسان بودند. توسط بازاریابان متوجه شدند که محصولات جهانی آنها باید با شرایط فرهنگی و محلی و ارزشهای هر منطقه و کشوری، سازگاری داشته و برای تولید و فروش کالایهایشان، نسبت به آنها احساس مسئولیت کنند. تغییر منوی فستفود بین المللی مکدونالد برای سازش با ذائقههای محلی در هر منطقه نشانگر این واقعیت است. جایگاه بومیگرایی در رویکرد جهانمحلیشدن: رابرتسون معتقد است که محلی شدن و جهانی شدن به عنوان بخشی از به هم پیوستگی و اتصال جهانی، با هم مرتبط و متحد شدهاند، بهگونهای که تجربیات جوامع، جهانشمول شده و بیش از آن، آرزوی منطقهای و محلی شدن از یکسو و آرزوی جهانیشدن از سوی دیگر رشد یافته است. (سلیمی، ۱۳۸۶: ۲۸۵-۲۸۶) بنابراین، اساساً بومی شدن جزء ویژگی ذاتی این رویکرد است. وقتی یک عنصر فرهنگی عام، در سطحی جهانی، وارد یک فرهنگ خاص می شود، ویژگی خاص بودگی آن فرهنگ و اقتضائات محلی را به خود میگیرد. به عنوان مثال، دموکراسی به عنوان یک ارزش جهانشمول عام، زمانی که وارد جامعه مذهبی ایران شد معنا و مفهوم آن، از اقتضائات فرهنگ ملی و مذهبی ایران تأثیر پذیرفت. در این رویکرد، جذب و انطباق از فرهنگها، امری یکطرفه نیست، بلکه امری متقابل و دوطرفه است و این بستگی به غنای فرهنگ یک جامعه دارد. (نش، ۱۳۸۲: ۱۱۱). بر اساس این رویکرد، جهانی شدن همواره در چهارچوبی محلی به وقوع میپیوندد و نظام آموزشی به عنوان امری محلی، فرایندها و تحولات جهانی را متناسب با چارچوب محلی منعکس می کند. نظام آموزشی برای بهبود کارایی خود، باید چشم انداز برنامه ریزیهایش صرفاً محدود به تحولات داخلی نباشد؛ بلکه با نظر به تحولات جهانی و لحاظ کردن ارزشهای فرهنگی و توجه به تعامل دو امر جهانی و محلی باشد تا دانش آموزان توانایی زیستن در این جهان درهم تنیده را داشته باشند. نظامهای آموزشی نیست. محلیگ رایی، به الزامات محلی و محیطی در سیاستگذاری علمی و سرمایه گذاری برای آن، تأکید دارد. در این دیدگاه، نظام معرفت برخاسته از نظام هستی شناسی اجتماعی و به کار سامان اجتماع میآید. (موسوی، ۱۳۸۹: ۳۶۱) بنابراین، چهارچوب محلی، به عنوان شیوهای برای بهرهبرداری نظام آموزشی از تحولات جهانی در حیطه تعلیم و تربیت است که باعث زایندهی آن میشود، زیرا در برابر پدیدههای جهانی، رویکردی منفعلانه و غیرفعال به خود نمی گیرد. بروز و ظهور پدیدههایی مثل «آموزش و پرورش بینالمللی» و شکل گیری مجامع فراملی دانشمندان و دانشگاهیان از طریق گسترش ارتباطات فراملی، محصول این همگرایی فرهنگی جهانی است.

(خانیکی، ۱۳۹۲) درواقع، این رویکرد سعی می کند از طریق جهانی شدن، به ساختارهای کوچک اهمیت دهد و آنها را جهانی کند. این مکتب برای پیشرفت و ترقی جامعه مدنی جهانی و یا جامعه شبکه ای، بهترین الگو را در مدرسه محوری، مشارکت از پایین، احترام به ذهنیت افراد و خلاقیت آنها می داند که به دنبال ساختار شکنی دولت تمرکزگرا و یکسان ساز است.

قانونگذاران دین حق داشتند هرگونه ادعای حقوق بشر را به عنوان یک ایدئولوژی کامل رد کنند. حقوق بشر - حقوق سرد - گرما، تعلق، دسترسی، معنا نمی بخشد، نیاز به عشق، دوستی، خانواده، خیریه، مهربانی، فداکاری، تقدس یا جبران خسارت و بخشش را رد نمی کند (باومن، ۱۹۹۸). اما اگر حقوق بشر کافی نباشد، حداقل ضروری است. حقوق بشر یک ایدئولوژی جانشین جامع نیست، بلکه حقوق برای شکوفایی ارزش های دیگر، حاوی دین، اجباری است. حقوق بشر نه تنها از مذاهب دفاع می کند، بلکه اکنون در مواردی که خود دین گاهی ناکافی است، در خدمت اخلاق دینی نیز هست. حقوق بشر حداقل یک «الهیات» تکمیلی برای جوامع کثرت گرا، شهری و سکولار است. در اینجا ادیان می توانند ایده حقوق بشر را به عنوان تأیید ارزش های خود بپذیرند، اگر نپذیرند و می توانند خود را وقف حوزه های گسترده تر و عمیق تری کنند که فراتر از مخرج مشترک حقوق بشر است (بک، ۱۹۹۹). ادیان ممکن است، از آنجایی که ایده حقوق بشر برای پیش بینی کافی، تضاد بین حقوق و تکالیف، بین فرد و جامعه، بین مادیات و روحيات، تضادهایی را پیش بینی کنند. گرچه هیچ هماهنگی بین مذهبی و الهیات، یا بین دیدگاه سنتی و مدرن در مورد انسان و جهان وجود ندارد. است.

بخش دیگری از ادبیات مذهبی و مطالعات زمانی، گرچه اغلب قضاوت های منفی زیادی دارد، ارتباط بسیار نزدیک تری را بین آنها مشاهده می کند. همانطور که قبلاً قابل توجه بود، این بینندگان تقریباً همیشه در مورد تداعی های متنوع جهانی شدن، به ویژه دیدگاه های گفت و گو یانه و معکوس بحث می کنند (توئیس، ۲۰۱۸). پیش بینی ها برای خودی های مذهبی اساساً توسط مخالفان محدود نمی شود. برخی از نویسندگان الهیات محور بحث می کنند که دین نقشی حیاتی در دستکاری جهانی شدن ایفا می کند. این که تأثیرات نامطلوب جهانی شدن بر ضرورت ارزش اخلاقی مثبت جهانی که ادیان می توانند پیشنهاد کنند تأکید می کند. مبارزات هانس کونگ در این جهت احتمالاً شناخته شده ترین است. از نظر او، نه تنها کل جهان متضمن هدایت اخلاقی بین المللی است، بلکه گسترش امور اخلاقی و گفت و گو بین مذاهب جهانی کلید توسعه این اخلاق است. این ترکیب، درک مذاکره ای از جهانی شدن را هدایت می کند، که کونگ آن را با چندین نویسنده دیگر تعیین می کند. در اینجا به دین نشان می دهد: توانایی یک کل جهانی شده بر اساس مشارکت دین متفاوت است، اما این مشارکت شامل بسیاری از ادیان محدود است که موفق می شوند یکدیگر را در یک رابطه مطمئن درک کنند. وحدت و کثرت بخش

اساسی جهان است. این فرض اساسی پروژه اخلاقی جهانی کیونگ بر ظواهر کلی این نکته تأکید می کند که چگونه مشارکت در بحث جهانی شدن، که مذهب را نادیده نمی گیرد، برای درک تأثیر آن در این روش دنبال می کند: به عنوان یک ویژگی مهم جهانی شدن، منعکس کننده ویژگی های فشار فعال بین جهانی شدن و جامعه بومی بین ناهمگونی و همگنی خاص و بین ناهمگونی و همگنی خاص است. دیدگاه کثرت گرایانه از جهان مجموعه ای از نظام های واحد است که در آن تمرکز بیشتری به تفاوت یا انعطاف ناپذیری جهان بینی های مختلف می شود (هینز، ۲۰۰۶). مدل برخورد تمدن ها، که توسط ساموئل هانتینگتون شهرت دارد، نمایشی از نسخه منفی مبتنی بر این ایده - نه کامل تر - است که تمدن های شبه مهم با ویژگی های معین به طور عقلانی قبل از یک چارچوب جهانی شده وجود دارند که می توانند آن را درک کنند (شولمن، ۱۹۹۸). از سوی دیگر، ادراکات کثرت گرایانه مثبت، حتی گونه های اندکی از تنوع واحد هستند: ارزش حضور کثرت گرا و برابری خواهانه در اینجا به سادگی بیشتر مورد تأکید قرار می گیرد.

رهبران مذهبی استدلال کرده اند که مردم کشور خواستار مدرنیزه شدن جامعه هستند و هوش مصنوعی راهی برای پاسخگویی به این فراخوان ها و در عین حال حفظ ارزش های سنتی بود. آنها امیدوارند که فناوری پیشرفته بتواند به آنها کمک کند تا متون اسلامی را سریعتر منتشر کنند و به احکام دینی، موسوم به فتوا، همگام با جامعه به سرعت در حال توسعه ایران همگام شوند. روبات ها نمی توانند جایگزین روحانیون ارشد شوند، اما می توانند دستیار مورد اعتمادی باشند که می تواند به آنها کمک کند به جای ۵۰ روز در ۵ ساعت فتوا صادر کنند». قطبی با بیان اینکه «جامعه امروز طرفدار شتاب و پیشرفت است»، گفت: نهاد دینی نباید با تمایل ایرانیان برای سهیم شدن در پیشرفت های فناوری جهانی مخالفت کند. با این حال، بدبینان تأکید کردند که چگونه استفاده از هوش مصنوعی ممکن است برای سیستم حقوقی پیچیده اسلام چالش برانگیز باشد. برخی از افراد ابراز نگرانی کرده اند که هوش مصنوعی نمی تواند پیچیدگی احکام دینی یا ارزش های افاده شده توسط روش های یادگیری سنتی را درک کند. علی رغم این چالش ها، استدلال کرد که ابتکار عمل در قم نشانه آن است که نهاد دینی ایران مایل به پذیرش فناوری های جدید برای ماندن در دنیای مدرن است. باید استدلال کرد که در حالی که ابزارها تغییر می کنند، اهداف ثابت می مانند، اصرار داشت که هوش مصنوعی لزوماً منجر به همسو شدن ایران با دیدگاه های سکولار غرب نمی شود. او گفت: ما روی بومی سازی استفاده از فناوری کار می کنیم زیرا ارزش های فرهنگی ما متفاوت است. باید متفکران و آموزش های دینی با اتخاذ هوش مصنوعی می توانند کارایی آموزش، پژوهش و تبلیغ دینی را افزایش دهند. با این حال، این تحول مستلزم مدیریت دقیق و بررسی مستمر ابعاد اخلاقی، فقهی و اجتماعی هوش مصنوعی است. تلفیق دانش سنتی حوزوی

با فناوری های نوین فرصتی را برای ایجاد یک الگوی اسلامی-ایرانی برای استفاده مسئولانه از فناوری فراهم می کند. هوش مصنوعی می تواند متون دینی را تحلیل کرده و مفاهیم پیچیده را به زبان ساده تر توضیح دهد و می تواند محتواهای دینی را به صورت شخصی سازی شده برای هر فرد ارائه دهد و فرایند یادگیری را موثرتر کند. هوش مصنوعی می تواند به ایجاد جوامع آنلاین برای گفتگو و تبادل نظر درباره مسائل دینی کمک کند و در نهایت به عنوان یک ابزار مفید در مطالعه و بررسی دین مورد استفاده قرار گیرد، اما نمی تواند جایگزین تفکر انتقادی، تجربه شخصی و ارتباط با انسان های دیگر در زمینه دین شود. هوش مصنوعی می تواند در تقویت و تسهیل تجربه معنوی انسان، دسترسی به اطلاعات، مدیتیشن و مراقبت و ارتباط با جوامع معنوی نقش داشته باشد. تجربه معنوی یک پدیده انسانی است که در قلب و روح انسان ریشه دارد و به رشد و تکامل شخصی کمک می کند.

نتیجه گیری

بسیاری از تحلیل گران دینی جهانی شدن، جهانی شدن را فرآیندی می دانند که عملاً همگن، اقتصادی و امپریالیستی است. آنها ادراک مردم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دارند و جهانی شدن را از یک چالش ترسناک به نمایش شر در جهان ما ارزیابی می کنند. از بسیاری جهات، جهانی شدن در این تقسیم بندی مطالعات، اصطلاحی است که جایگزین آن چیزی است که به عنوان یک نظام سرمایه داری یا اصطلاحات مرتبط سرکوب شده است. در نتیجه، جهانی شدن باعث ایجاد خشونت و سرکوب ناعادلانه بیشتر مردم در سراسر جهان می شود. این امر فرهنگ های بومی و محلی را می ترساند و دردسر شدیدی را برای زنان ایجاد می کند. این دلیل اصلی محرومیت از محیط بین المللی و ملی و باز هم آسیب رساندن به انبوه نوع بشر است. این ادراکات بر محور الهیات به نمایندگان یک عرف مذهبی خاص محدود نمی شود. برای مثال، مسلمانان، یهودیان، مسیحیان، بودایی ها و افرادی که عقاید بومی را بیان می کنند، همگی بر قضاوت انتقادی جهانی شدن توافق دارند. و به دور از دیدگاه مذهبی معمولی، چنین مواردی در ادبیات کاملاً رایج است، صرف نظر از اینکه هر کدام مذهبی یا غیر مذهبی شناخته شوند. جهانی شدن نشان دهنده «ارتباط بین فناوری ها» است. این فناوری ها به سرعت جهان را به یک "دهکده جهانی" تبدیل کرده اند. هیچ کشوری نمی تواند در انزوا زندگی کند بدون اینکه به دنبال تأثیر روندهای جهانی و تغییر در همه زمینه های زندگی باشد. آموزش مهمترین ابزار توسعه ملی است. بنابراین این عصر دانش تأثیر زیادی در آموزش دارد. آموزش معلمان مغز همه رشته های آموزشی است زیرا آموزش را برای تربیت معلمان آینده ارائه می دهد. همچنین مادر همه حرفه هاست. مانند سایر مشاغل، جهانی شدن نیز بر آموزش معلمان تأثیر می گذارد. رابطه تأثیر هوش مصنوعی بر آموزش های دینی، حاکی از تأثیر منفی هوش مصنوعی بر آزادی مذهبی است. تحلیل داده های نشان دهنده

همبستگی مثبت بین آزادی مذهبی و متغیرهایی مانند توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و سطح تحصیلات است. نتایج همچنین نشان می‌دهد که افزایش دیجیتالی‌سازی بر آزادی مذهبی تأثیر منفی می‌گذارد. رابطه بین هوش مصنوعی و آزادی مذهبی پیچیده است و تحت تأثیر عوامل مختلف اجتماعی-اقتصادی است.

در عصر دیجیتالی شدن فزاینده، برای سیاستگذاران ضروری است که بین پیشرفت‌های تکنولوژیکی و حمایت از آزادی مذهبی تعادل برقرار کنند. این امر ممکن است نیاز به تصویب قوانین سختگیرانه‌تر حفظ حریم خصوصی و مقررات نظارتی برای جلوگیری از سوء استفاده از فناوری‌های دیجیتالی به شیوه‌هایی باشد که می‌تواند اعمال مذهبی را محدود کند یا منجر به تبعیض علیه گروه‌های مذهبی خاص شود. سوم، با توجه به همبستگی مثبت شناسایی شده بین توسعه اقتصادی، ثبات سیاسی و آزادی مذهبی، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های متمرکز بر ارتقای رشد اقتصادی و ثبات سیاسی می‌تواند به طور غیرمستقیم به افزایش آزادی مذهبی کمک کنند. استراتژی‌های اقتصادی با هدف تقویت رشد و کاهش فقر، در کنار حفظ یک فضای سیاسی باثبات، می‌تواند محیطی را ایجاد کند که از تساهل و آزادی مذهبی حمایت کند. در نهایت، با توجه به ارتباط مثبت بین سطح تحصیلات و آزادی مذهبی، سرمایه‌گذاری قابل توجه در آموزش بسیار مهم است. سیاست‌های آموزشی نه تنها باید در جهت گسترش دسترسی به آموزش باشد، بلکه باید برنامه‌های درسی را نیز ادغام کند که تساهل و درک باورهای مذهبی متنوع را ترویج می‌کند. آموزش نسل جوان در مورد اهمیت آزادی مذهبی و تأثیرات اجتماعی فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی گامی حیاتی در جهت پرورش جامعه‌ای فراگیرتر و بردبارتر است.

برخی از نظریه‌ها دین را به عنوان یک نهاد چند ملیتی یا جهانی ارزیابی می‌کنند که ظواهر متعدد آن عمدتاً مستقل از ساختارهای سیاسی و اقتصادی است که مناطق مختلف جهان را به گونه‌ای به هم متصل می‌کند (هینز، ۲۰۱۴) مانند تجارت جهانی، روابط بین‌المللی، رسانه‌ها، ورزش، رسانه‌ها، ارتباطات و گردشگری (اسپین و همکاران، ۲۰۱۳). تأکید دوم، اما مرتبط با یکدیگر، تأثیر روش‌های دینی بر بیان هویت و تمایل به ورود به جامعه بین‌المللی، به‌ویژه در میان گروه‌های کم‌اهمیت و پایین‌رفته است (لویت، ۲۰۰۱). رویکرد سوم حتی مضاعف می‌شود و تلاش می‌کند نشان دهد که چگونه ترتیب، اصلاح و همچنین توزیع ادیان به خودی خود جنبه داخلی جهانی شدن بود. از این منظر، آنچه اکنون به عنوان انواع متمایز برجسته دین و حتی تفسیر کهن الگویی از دین می‌بینیم، خود نتایج و تکرار رویه باستانی جهانی شدن است. اگرچه این سه منطقه به یک اندازه منحصر به فرد نیستند، اما

تعامل آموزش های دیجیتال و دین در آرای متفکران متاخر دینی ایران □ ۷۷

می توان آنها را به صورت جداگانه برای اهداف ظاهری شمارش کرد. هر یک از آنها جهت گیری نظری متفاوتی دارند و تمایل دارند بر نشانه های واقع گرایانه گوناگون دین در جهان ما تمرکز کنند.

Article I. منابع و مأخذ

- خاتمی محمود. ۱۴۰۱. فلسفه هوش مصنوعی. تهران؛ علم
- خانیک، هادی. ۱۳۸۳. هویت در ایران: رویکرد سیاسی اجتماعی فرهنگی و ادبی به هویت و بحران در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- جمعی از نویسندگان. ۱۴۰۳. الهیات و هوش مصنوعی. قم. حوزه علمیه
- خسروپناه، عبدالحسین، (۱۳۸۹). آسیب شناسی دین پژوهی معاصر، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جهانیان، رمضان و مریم یعقوبیان. (۱۳۹۱). سیاست های مدیریت بر آموزش در عصر جهانی شدن فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. سال هشتم. شماره ۲۱.
- ربیعی زاده احمد، ۱۴۰۰ کاربرد هوش مصنوعی در پژوهش های علوم اسلامی، فصلنامه ره آورد نور، شماره ۷۵
- رشیدی نرگس. ۱۴۰۲. هوش مصنوعی در اسلام. تهران؛ حقوق بشر اسلامی
- رجبی آیت الله. -بررسی مزایای استفاده از هوش مصنوعی در فرآیند اجتهاد. روابط عمومی موسسه امام خمینی (ره) (iki.ac.ir)
- شجاعی زند، علیرضا. ۱۳۸۴. مدلی برای سنجش دینداری»، مجله جامعه شناسی ایران، شماره ۶۴
- ظفری، مصطفی و اسماعیلی، علی و صادقی نیارکی، ابوالقاسم، ۱۴۰۰، مروری بر کاربردهای هوش مصنوعی و واقعیت مجازی در آموزش.
- فیرحی، داود، ۱۳۹۱. فقه و سیاست در ایران معاصر، تهران: نشر نی،
- قائم نیا علیرضا، ۱۴۰۳. دین و هوش مصنوعی. تهران؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- کیسینجر و دیگران. ۱۴۰۳. هوش مصنوعی و آینده بشریت. ترجمه قهرمان پور. تهران؛ مرکز لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). وضعیت پست مدرن. حسینعلی نوروزی. تهران: نشر گام نو.
- مقیمی فیروز آباد، معصومه و آل امین، علیرضا، ۱۳۹۸، آینده پژوهی هوش مصنوعی در آموزش و پرورش ایران، هفتمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران
- نیوی و دیگران. ۱۴۰۳. هوش مصنوعی و آموزش های دینی. تهران؛ جهاد دانشگاهی
- Ameli, S. R (2002), Globalization and british Muslim identity, London: Ic As Press
- Applied Artificial Intelligence: A Handbook For Business Leaders. Mariya Yao , Adelyn Zhou. Marlene Jia ۲۰۱۹.
- Shaw, Michael; Subramaniam, Chandrasekar; Tan, Gek Woo; and Welge, Michael.
- Knowledge management and data mining for marketing. Decision Support Systems. Vol. ۳۱, Issue. ۲۰۰۱. ۱

- Thomas Keenan, "Mobilizing Shame," South Atlantic Quarterly 103, no. 2/3 (2004), p. 447.
- Keenan explores the relationship between ethics and responsibility in even greater detail in his *Fables of Responsibility* (Stanford: Stanford University Press, 1997).
- Jacques Derrida cited in Michael Peters, "The Promise of Politics and Pedagogy in Derrida," *Review of Education/Pedagogy/Cultural Studies* (in press).
- Allen Feldman, "On the Actuarial Gaze: From 9/11 to Abu Ghraib," *Cultural Studies* 19, no. 2 (March 2005), p. 212..
- Jürgen Habermas, *Theory of Communicative Action*, Vol. 2. *Lifeworld and System: A Critique of Functionalist Reason*, trans. Thomas McCarthy (Cambridge, UK: Polity Press, 1987), p. 390.
- Nick Couldry, "Media and the Problem of Voice," unpublished paper (2009).
- Angela Davis, *Abolition Democracy: Beyond Empire, Prisons, and Torture* (New York: Seven Stories Press, 2005), pp. 128-129.
- Salzano, Massimo (2003), *Globalization of the Italian School of Public Finance*, University of Salerno.

فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی
<https://sanad.iau.ir/journal/jearq>